

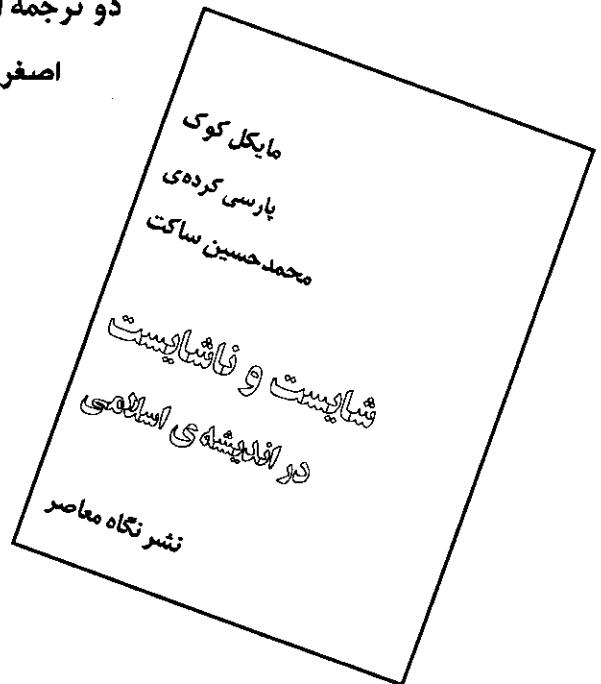
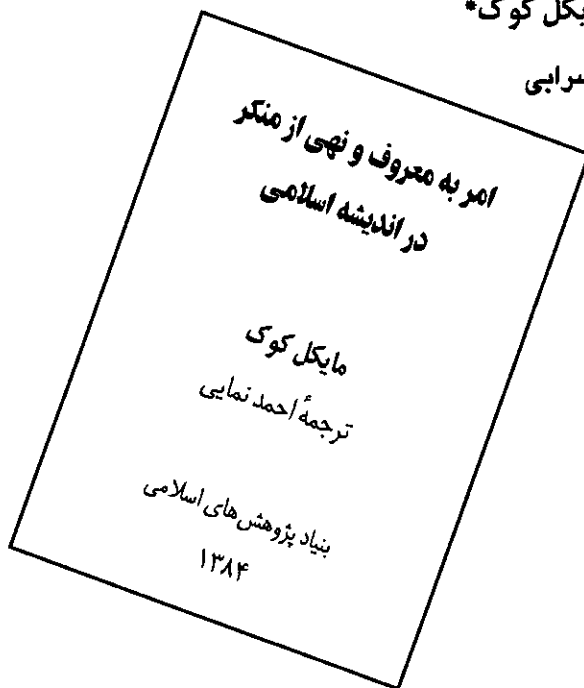
خار ترم که تازه ز باغم دروده اند
محروم بوستانم و مردود آتشم
فصیحی هر وی

نگاهی به

«شایست و ناشایست» و «امر به معروف و نهی از منکر»

دو ترجمه از اثر مایکل کوک*

اصغر ارشاد سرابی



امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی، مایکل کوک،
ترجمه احمد نمایی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ
یکم، ۱۳۸۴ ش.

شایست و ناشایست در اندیشه‌ی اسلامی، مایکل کوک، پارسی کرده‌ی
محمدحسین ساکت، تهران، نشر نگاه معاصر، چاپ اول، ۱۳۸۴

تحقیق و گزارش به خطا نروند و اطلاعاتی درست و جامع برای
* دوستان با ذوق و دانشورم، آقایان دکتر محمدجواد مهدوی و محمد
سوهانیان حقیقی، به ترتیب در فهم دقیق متن انگلیسی و ویرایش بافتاری
این مختصر، راهنما و باورم بوده‌اند. رهین الطاف این دو بزرگوارم.

خاورشناسان و دانشمندان اروپایی، در سده‌های اخیر، آثار
فراوان و ارزنده‌ای در گستره فرهنگ‌ها و آیین‌های الهی به چاپ
رسانده‌اند. هر چند، توجه آنان به خاورشناسی، انگیزه‌های
متفاوتی داشته است، اما حتی الامکان کوشیده‌اند به هنگام



مراکز علمی کشور خود تهیه کنند.^۱

از این رهگذر تلاش بسیاری از خاورشناسان و اسلام‌شناسان اروپایی، مایهٔ اعجاب و تحسین است و همت والا و زحمت‌های جانانگاه آنان را نمی‌توان نادیده انگاشت. آموختن چند زبان و آشنا شدن با فرهنگ، تمدن و دین ملت‌های دیگر، طی سال‌ها مرارت و ریاضت و حتی دوری از وطن، کاری بس دشوار است و عشق به تحقیق و میل وافر به دانش‌اندوزی را می‌طلبد. آرتور آربری، خاورشناس انگلیسی (۱۹۰۵-۱۹۶۹)، می‌نویسد: «من اعتقاد راسخ دارم که وظیفهٔ حقیقی یک عالم، پرداختن به علم است و نه سیاست».^۲

هر چند روزگاری خاورشناسی در دست استعمار غربی، دستاویزی برای نفوذ در فرهنگ و سلطه بر کشورهای شرقی بود، ولی امروزه به صورت رشته‌ای دانشگاهی یا شاخه‌ها و گرایش‌های گوناگون در آمده است. با این همه، اهل دانش و معرفت در سراسر جهان، از این دستاوردهای علمی و تحقیقی بی‌نصیب نمانده و از خواندن و بررسی آنها، بهره برده‌اند. در عین حال، نمی‌توان انکار کرد که جهان‌خواران، پیوسته از حاصل این تحقیقات در جهت اهداف سیاسی خود، بهره جسته‌اند.^۴

یکی از دانشمندان اروپایی که با فرهنگ و معارف اسلامی آشنایی کامل دارد، مایکل آلن کوک (Michael Allen Cook)، محقق انگلیسی تبار و اسلام‌شناس دانشگاه پرینستون، آمریکاست. کوک در سال ۱۹۴۰ در انگلستان به دنیا آمد. وی از سال ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۳ در دانشگاه کمبریج به تحصیل تاریخ انگلستان و اروپا پرداخت. زبان ترکی اسلامبولی و فارسی را در مدت دو سال آموخت و سپس به مدرسهٔ مطالعات شرقی و آفریقایی (SOAS) دانشگاه لندن رفت. در ۱۹۸۶ برای تدریس در دانشگاه پرینستون به آمریکا مهاجرت کرد و هم‌اکنون به عنوان استاد مطالعات خاور دور این دانشگاه به تدریس و تحقیق مشغول است.

بیشتر آثار کوک دربارهٔ تاریخ و تمدن اسلامی و نقش ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی در جوامع اسلامی است و تا کنون آثار ارزشمندی در زمینه‌های تفسیر، فقه، حدیث و تاریخ اسلام به چاپ رسانده است.^۵

مفصل‌ترین تألیف وی به زبان انگلیسی، کتابی است دربارهٔ امر به معروف و نهی از منکر به نام: *Commanding Right and Forbidding Wrong in Islamic Thought*. این کتاب نخستین بار در سال ۲۰۰۰ به همت دانشگاه کمبریج انتشار یافت و در سال ۲۰۰۲ تجدید چاپ شد.

مایک کوک برای نگارش این اثر، منابع بسیاری را به زبان‌های

گوناگون، به ویژه عربی و فارسی از نظر گذرانیده و طی دوازده سال تحقیق مداوم و مطالعه بیش از ۱۷۰۰ کتاب و مقاله، با بررسی فرقه‌ها و مذاهب معتبر اسلامی، موفق به نوشتن جامع‌ترین کتاب دربارهٔ امر به معروف و نهی از منکر شده است.

کوک صرفاً به تتبع و گردآوری مواد خام یا اطلاعات لازم بسنده نکرده، بلکه از منظری فراخ و به صورتی بدیع به نقد و تحلیل منابع نیز پرداخته است. از این رو، تمام نکات و مطالب این کتاب دارای ارجاع است و هیچ ادعایی بدون دلیل و استناد، مطرح نشده است. وی از نقل نظریاتی که با دیدگاهش، سازگار نیست، خودداری نورزیده و جای بحث و تعاطی افکار را برای محققان باقی گذاشته است.

بخش عمده‌ای از این کتاب به ارزیابی آرای فقیهان شیعه از کلینی تا عصر حاضر، به ویژه مجاهدت‌های امام خمینی (ره) و شاگردان او در احیاء و ترویج امر به معروف و نهی از منکر اختصاص یافته است. علاوه بر این، کوک پس از بررسی این وظیفه در دیگر ادیان توحیدی، آیین‌های غیر توحیدی، نحله‌های فکری و فلسفی و نهادهای امدادسانی در غرب، سرانجام به این نتیجه می‌رسد که تکلیف الهی امر به معروف و نهی از منکر، خاص اسلام است و هیچ معادل و همتایی در دیگر ادیان و مکتب‌ها برای آن متصور نیست.

۱. ر. ک: محمدحسین علی‌الصغیر، خاورشناسان و پژوهش‌های قرآنی، ترجمه محمد صادق شریعت، مؤسسهٔ مطبع الفجر، ۱۳۷۲، ص ۱۷؛ نیز نجیب‌العقیقی، المستشرقون، دارالمعارف، قاهره، ۱۹۷۰، به نقل از آینه پژوهش، ش ۷۱-۷۲، ۱۳۸۰، ص ۸۴.

۲. ر. ک: حسن لاهوتی، «جلال‌الدین محمد بلخی رومی»، تابان، شماره پنجم، مرداد-شهریور ۱۳۸۰، ص ۹-۱۲.

۳. این مطلب را آربری در کتاب خود با عنوان *Oriental Essays Portraits of seven scholars* در ص ۱۵۹ نوشته است. به نقل از عبدالرحمن بدوی، داوآة المعارف مستشرقان، ترجمه صالح طباطبایی، روزنه، تهران، ۱۳۷۷، ص ۴.

۴. ر. ک: اصغر ارشاد سرابی، «بیرجند در کمند دو نگاه»، آینه پژوهش، ش ۷۱-۷۲، سال دوازدهم، شماره پنجم و ششم، آذر-اسفند ۱۳۸۰، ص ۸۳-۸۴.

۵. ر. ک: محمدحسین ساکت، شایست و ناشایست در اندیشهٔ اسلامی (دفتر یکم)، نگاه معاصر، تهران، ۱۳۸۴، ص ۲۱-۲۸.

خواننده این گزارش، هرگز تصور نمی‌کند که این خبر با موضوع یک کتاب تحقیقی، پیوند می‌خورد و راهی دراز را فراروی او قرار می‌دهد. گذر از گذارها و پیچ و خم‌های کتاب و تعیین میزان اعتبار تحلیل‌ها و نظریات مؤلف و غث و سمین آنها بر عهده محققان اسلام‌شناس و اهل مکاتب است ما را نه اهلیت آن است، نه با آن کار.

در این نوشتار، تنها از این منظر که ترجمه هنرمندانه و دقیق، به خودی خود، کاری بزرگ و ارزشمند به شمار می‌رود و یک ترجمه مطلوب و زیبا، کم از پدید آوردن یک اثر نیست. نخست به معرفی اجمالی دو ترجمه این کتاب و سپس به مقایسه متن آنها می‌پردازیم.

دو تن از دانشوران خراسانی، محمدحسین ساکت و احمد نمایی-فکنده رحل به توس این، کشاننده رخت به تهران آن-با اطلاع از کار یکدیگر، هر یک به طور مستقل به ترجمه کتاب مایکل کوک پرداخته‌اند. هر چند، مایکل کوک در میان دانشمندان اروپایی، شخصیتی شناخته شده است، اما این دو ترجمه و نقد و توصیف آنها، موجب اشتها و بلندآوازی مایکل کوک در جامعه علمی و دانشگاهی ایران شده است.

نخست، پارسی کرده آقای ساکت به نام شایست و ناشایست در اندیشه اسلامی^۸ (دفتر یکم) ۹ با ۴۹۹ صفحه و رویه شمیز، به ارزش پنج هزار تومان در شمارگان دو هزار نسخه به همت نشر نگاه معاصر در تابستان ۱۳۸۴ عرضه شد.

۶. سیدحسن اسلامی، «پرخوانی امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی، مایکل کوک»، هفت آسمان، فصلنامه تخصصی ادیان و مذاهب، شماره بیست و نهم، سال هشتم، بهار ۱۳۸۵، ص ۱۱۹-۱۲۰.

۷. ر. ک: محمد منصور هاشمی، «امر به معروف و نهی از منکر در متن مطالعه‌ای تطبیقی»، کتاب ماه دین، ش ۶۶ و ۶۷، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۲، ص ۸۸.

۸. شایست و ناشایست به معنای خوب و ناخوب یا شرعی و غیر شرعی، نام کتابی به زنان پهلوی است که مهم‌ترین مباحث فقه زرتشتی عهد ساسانیان در آن گرد آمده است (ر. ک: کتابیون مزدایور، شایست و ناشایست، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۹). هر چند آقای ساکت، نام گذاری برگردان خود را بی ارتباط با نام این اثر دانسته و آن را برگرفته از پارسی شده قرآن‌های کهنسال دانسته است، اما «شایست انگیزی و ناشایست ستیزی» یا «فرمان به شایست و وازدن از ناشایست» که در صفحه هفت برگردان خود آورده، معادل‌های دقیق تری برای امر به معروف و نهی از منکر است.

۹. ر. ک: حمید کنگرانی، «شایست و ناشایست رونمایی شد»، کتاب هفته، ش ۲۵۳، شنبه ۲۵ تیر ۱۳۸۴، ص ۲۰؛ محمد فرحزاد، «مروری بر شایست و ناشایست در اندیشه اسلامی»، نقد و بررسی کتاب، تهران، ش ۱۵، بهار ۱۳۸۵، ص ۱۲۲-۱۲۹.

متن انگلیسی کتاب در ۷۰۲ صفحه، دارای یک پیشگفتار، چهار بخش و ۲۰ فصل است، بدین قرار: مقدمه (۴ فصل)؛ حنبلیان (۴ فصل)؛ معتزلیان و شیعیان (۳ فصل)؛ دیگر فرقه‌های اسلامی (۶ فصل)؛ فراسوی اسلام سنتی (۳ فصل) و دو پیوست «آیات قرآن و احادیث مهم» و «نظر ابن عبری درباره نهی از منکر».

نویسنده در خلال این فصل‌ها کوشیده است «ابعاد اعتقادی، کلامی، اجتماعی، فقهی و اخلاقی امر به معروف و نهی از منکر را از دیدگاه فرق و مذاهب اسلامی از سده‌های آغازین تا دوره معاصر گزارش و بررسی کند و تصویری جامع از فراز و فرود این فریضه در جهان اسلام به دست دهد و در پایان، این فریضه را در اسلام با ادیان دیگر مقایسه کند و سرچشمه آن را نشان دهد».^۶

این کتاب را می‌توان مهم‌ترین اثر تحقیقی درباره امر به معروف و نهی از منکر در اسلام به شمار آورد که تا کنون در غرب نوشته شده است. از این رو، برخی از استادان دانشگاه پنسیلوانیا، فضل و تبحر مایکل کوک را حیرت‌آور و تحلیل‌هایش را منسجم و مستدل و غالباً خیره‌کننده دانسته‌اند. ۷ مایکل کوک در اثر خود، مفهوم امر به معروف و نهی از منکر را به روش تطبیقی و مقایسه‌ای به حوزه اخلاق کشانده و معلوم کرده که چگونه اسلام به این آموزه دست یافته است. کتاب وی، روش تحقیق و دریافت از متون اسلامی را به پژوهشگران می‌آموزد و نشان می‌دهد که چگونه باید به مطالعه و تحلیل ادیان و فرهنگ‌ها پرداخت.

با وجود آنکه این کتاب، یک اثر تحقیقی و علمی است، اما متن آن ساده و بی‌تکلف، با گزارش یک رویداد تأثر انگیز به نقل از روزنامه نیویورک تایمز آغاز می‌گردد؛ همچون داستانی که نرم و چابک با توصیف یک حادثه شروع می‌شود و سپس حوادث، یکی پس از دیگری اتفاق می‌افتد.

In the early evening of Thursday 22 September 1988, a woman was raped at a local train station in Chicago on the presence of several people.

«درست، سر شب روز پنجشنبه ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۸، زنی پیش چشم مردم، در ایستگاه قطار شهری شیکاگو، مورد تهاجم قرار گرفت».

چند ماه بعد، ترجمه آقای نمایی با عنوان امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی، ۱۰ در دو جلد، با رویه سلفون، در ۱۱۰۶ صفحه و شمارگان هزار نسخه به قیمت هشت هزار تومان از سوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی منتشر و در تابستان ۱۳۸۵ در شمارگان دو هزار نسخه با ویرایش جدید به قیمت چاپ اول تجدید چاپ شد.

آقای ساکت در مقدمه خود (ص ۷-۲۸) طی چهار عنوان فرعی، درباره شایست‌انگیزی و ناشایست‌ستیزی، محتوای متن انگلیسی، شیوه کار و چگونگی به پارسایی گرداندن اثر و شرح حال و تحصیلات مایکل کوک به بحث پرداخته است. مترجم در عنوان فرعی نخست (ص ۷-۱۸) به مناسبت شغل خود - قاضی دیوان عالی - درباره وظیفه قوه قضائیه در پیشگیری از جرم و شیوه‌های رفتاری در «فرمان به شایست و ناشایست‌ستیزی» شرح و توضیح داده است.

او از مجموع پیشگفتار و بخش اول متن انگلیسی (۳-۸۳) که شامل چهار فصل است، سه فصل را تا صفحه ۴۵ متن اصلی در ۱۱۵ صفحه ترجمه کرده و تقریباً مطابق با متن انگلیسی پیش رفته است. سپس از فصل چهارم، ترتیب و تبعیت از متن انگلیسی را رها کرده و معتزلیان، زیدیان، امامیان و اسماعیلیان را از بخش سوم متن انگلیسی (۱۹۵-۳۰۴) برگزیده و تحت عنوان فصل‌های چهارم، پنجم و ششم کتاب خود آورده است. همچنین از ابتدای فصل ۱۲ تا میانه فصل ۱۸ متن اصلی (۳۰۷-۵۲۹) را کنار گذاشته و تنها بخشی از فصل هجدهم (۵۳۰-۵۴۸) را با عنوان «دگرگونی‌ها در شیعه امامیه» ترجمه کرده و برگردان بقیه کتاب را فرو نهاده است. به علاوه، مترجم با افزودن چهار پیوست با عنوان کتاب الاحتساب^{۱۱} (۳۳۳-۴۱۸)، شرایط شایست‌انگیزی و ناشایست‌ستیزی از دیدگاه شیخ طوسی^{۱۲} (۴۱۹-۴۳۴)، نقد و بررسی‌ها^{۱۳} (۴۳۵-۴۵۲) و از مأمون تا کنون (۴۵۳-۴۶۴) به انتهای ترجمه خود، برگردان باقیمانده متن انگلیسی کتاب مایکل کوک را به چاپ دفتر دوم [و سوم]^{۱۴} در آینده حواله داده است (شایست و ناشایست در اندیشه اسلامی، ص ۲۰). کتابنامه اثر در صفحات ۴۶۵ تا ۴۹۲ و نمایه آن در صفحات ۴۹۳ تا ۴۹۹ (پایان کتاب) آمده است.

با دخالت آقای ساکت در اساس و تبویب متن انگلیسی، حدود چهل درصد مطالب کتاب به طور انتخابی با محور گرایش‌های خردگرا ترجمه شده و با افزودن چهار پیوست به پایان ترجمه، نظام و ترتیب متن انگلیسی کتاب مخدوش و مکدر گردیده است. هر چند این پیوست‌ها به نوعی با مبحث امر به معروف و نهی از منکر پیوند دارد، اما به نظر می‌رسد که

خروج از قاعده و قانونمندی‌های کار ترجمه است.

چون موضوع کتاب مایکل کوک، با زمینه کار و تخصص آقای ساکت - قضاوت و دادستانی - سازگار افتاده، ترجمه آن دستاویز طرح مبحث ناشایست‌ستیزی شده است؛ تا جایی که حتی نمونه‌ای از دادرسی و قضاوت خود را در قالب گزارشی از کار یک پرونده مربوط به سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۷۹ (ص ۴۵۳-۴۶۴) ارائه داده است. وی با پیش کشیدن و طرح دادخواست آن پرونده، بث الشکوائی را که در دل داشته، بیرون ریخته؛ چنان که در صفحه ۲۱ ترجمه خود آورده است: «تصویر زنده فرمان به شایست و واژدن از ناشایست برای نخستین بار در ادبیات حقوقی و قضایی ایران در یک دادنامه به نمایش در آمده است».

ترجمه آقای ساکت، علاوه بر عدم تطابق با متن انگلیسی، در برخی موارد از صحت و دقت کافی نیز برخوردار نیست. با آنکه وی در روانی و شیوایی ترجمه خود و به کار بردن واژه‌های فارسی، کوشش و وسواس به خرج داده، اما گاهی استنباط نادرست از یک واژه، به مفهوم جمله خلل رسانده و در جاهایی به سبب آنکه مفهوم عبارت انگلیسی به درستی ادراک نشده، ترجمه آن نارسا و مبهم مانده است. کتابنامه و نمایه کتاب نیز ناقص و نیازمند بازبینی مجدد است.

۱۰. ر. ک: احمد نمایی، فصلنامه حکومت اسلامی، سال نهم، شماره ۳۳، پاییز ۱۳۸۳، ص ۲۳۷-۲۴۳. آقای نمایی پس از شروع به ترجمه کتاب کوک و پیش از چاپ آن، به معرفی کتاب و شیوه کار خود پرداخته است؛ همچنین ر. ک: «نگاهی به پژوهش اخیر مایکل کوک در مورد یک فریضه کاملاً اسلامی» (گفت و گو با احمد نمایی)، کتاب هفته، دوره جدید، ش ۴۵، شهریور ۱۳۸۵، ص ۱۳.

۱۱. مترجم برجستگی این رساله را در این می‌داند که نخستین دست‌نگاشته تازی بر جای مانده درباره حاسبه است که تا کنون از زیدیان و نویسندگان مسلمان در دست است.

۱۲. مترجم در این پیوست، فرمان به شایست و ناشایست‌ستیزی را بر پایه ترجمه کهنی از النهایه شیخ طوسی شرح می‌دهد.

۱۳. مربوط به نظریات سجاد رضوی (از دانشکده پمبروک، دانشگاه کمبریج)، ویلفرد مادلونگ W. Madelung و آگوستینو جیلاردو- Agos- tinino Cilarde درباره کتاب امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی مایکل کوک است.

۱۴. آقای ساکت در جشن رونمایی کتاب شایست و ناشایست اعلام کرده که این کتاب در سه دفتر به چاپ خواهد رسید. ر. ک: کتاب هفته، ش ۲۵۳، ص ۲۰.

ذیل عنوان كوك و آنگاه ترجمه آنها را به ترتیب از کتاب شایسته و ناشایسته در اندیشه اسلامی و امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی با مشخصه های ساکت و نمایی همراه با شماره صفحه هریک، نقل می کنیم و ضمن برخی توضیحات، قضاوت نهایی را به خوانندگان نکته سنج و امی گذاریم.

كوك:

The Salient feature of this incident in this account was that nobody had moved to help the victim and her cries had gone unheeded-for all that the rape took place during the rush hour (p ix, ll 4-6).

ساكت:

سیمای برجسته این رویداد در این گزارش این بود که هیچ کس برای یاری یزه دیده جنب نخورده بود، و به فریادهای آن توجهی نشده بود. سرانجام این که این تجاوز در ظرف ساعت پر رفت و آمد روی داد (ص ۲۹).

نمایی:

نکته شایان توجه در آن گزارش، این بود که هیچ کس برای کمک به قربانی از جای خود حرکت نکرد، با وجود آنکه این تجاوز در ساعت های پر رفت و آمد انجام شد. فریادهای زن بی پاسخ ماند (ص ۱۵).

به نظر می رسد معادل عبارت انگلیسی مذکور، در برگرداندن فارسی، متشکل از جمله هسته (main clause) و وابسته (subordinate) است. در برگردان نخست، علاوه بر آنکه ترکیب های «سیمای برجسته این رویداد» و «جنب نخوردن» زیبا و مناسب نیست، جمله پایانی نیز با جمله پیشین خود پیوند نمی یابد. ترجمه دوم هم، بلیغ و رسا نیست. بنابراین با توجه به ساختار عبارت، این معنی به نظر می رسد: «نکته قابل توجه در آن گزارش این بود که با وجود وقوع این تجاوز در ساعت های پر رفت و آمد، هیچ کس برای کمک به قربانی، عکس العملی از خود نشان نداد و فریادهای زن بی پاسخ ماند».

كوك:

He had been in jail since February after robbing a young woman and breaking her nose with a bottle (p x, note 4).

ساكت:

او پس از ربودن یک زن جوان و شکستن بینی اش با یک بطری، از ماه فوریه زندانی بود (ص ۳۰، پاورقی ۲).

۱۵. ارجاع به صفحات این کتاب بر اساس چاپ دوم آن است.

و اما آقای احمد نمایی مترجم امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی، در مقدمه خود، «سخن مترجم» (ص ۹-۱۳)، ۱۵ به طور خلاصه به موضوع کتاب، معرفی مایکل كوك، شیوه ترجمه خود و سپاسگزاری از یاری دهندگان، پرداخته است. در صفحه ۱۳، ترجمه متن انگلیسی نامه ارسالی مایکل كوك به مترجم، حاوی سپاس و تشکر از شیوه ترجمه وی، عیناً درج است. ترجمه کتاب از صفحه ۱۵ با پیشگفتار نویسنده آغاز و تا صفحه ۵۴۰ و جلد دوم از صفحه ۵۴۱ تا ۹۵۲ ادامه می یابد. صفحات ۹۵۳-۱۰۶۸ به کتابنامه اختصاص دارد که شامل دو بخش است: یکی فهرست کتاب های عربی، فارسی و ترکی و دیگری فهرست کتاب های غیر عربی و فارسی و همچنین نمایه کتاب از صفحه ۱۰۶۹ آغاز و به صفحه ۱۱۰۹ ختم می گردد.

او در ترجمه خود به متن انگلیسی کتاب، وفادار بوده و هیچ مطلبی را از قلم نینداخته و پیرایه ای هم از خود به آن نیفزوده است، مگر برخی توضیحات کوتاه یا جمله های دعایی که آنها را داخل قلاب [] قرار داده تا خوانندگان بدانند که از مؤلف نیست. همچنین برای دستیابی پژوهشگران به متن انگلیسی، در خلال صفحات ترجمه خود، شماره صفحات متن انگلیسی را داخل قلاب آورده است (ص ۱۲، سخن مترجم). پانویست صفحات نیز نشان از آن دارد که مترجم بسیاری از منابع فارسی و عربی را که كوك به آنها استناد کرده، فراهم آورده و نقل قول ها را با اصل آنها تطبیق داده است. همچنین آنچه را که كوك در پانویس متن خود به صفحات پیشین یا پسین ارجاع داده، با ترجمه خود مطابقت داده است.

نمایی در تنظیم فهرست ها نیز دقت لازم را به کار برده و نام کتاب هایی را که به زبان های اروپایی یا ترکی یا به یکی از زبان های شرقی نوشته شده به فارسی برگردانده و همچنان که در صفحات ۹۵۳-۹۵۵ مذکور است، دو فهرست «کتاب های عربی، فارسی و ترکی» و «فهرست کتاب های غیر عربی و فارسی» را برای استفاده فارسی زبانان تنظیم و حتی نام کتاب هایی را که ترجمه آنها برای مترجم ممکن نبوده، آوانگاری کرده است.

اینک برای آشنایی خوانندگان و اهل فن با ترجمه این دو مترجم خراسانی، نخست عبارت هایی از متن انگلیسی کتاب را



نمایی:

او به سبب سرقت از یک زن و شکستن بینی او با یک بطری، از ماه فوریه آن سال در زندان بود (ص ۱۷، دنباله پاورقی ۴). کلمه rob در مورد اشیا به معنی «دزدیدن و ربودن» و در مورد اشخاص به معنی «سرقت از ...؛ لخت کردن» به کار می رود و برای «دزدیدن و ربودن اشخاص» از واژه kidnap استفاده می شود. در ترجمه نخست، rob به جای kidnap ترجمه شده و در نتیجه مترجم به خطا رفته است. در ترجمه دوم هم معلوم نیست چرا مترجم صفت «جوان» را از «زن» (young woman) دریغ کرده است!

کوک:

However, the research of social psychologists suggest that such inaction is more likely to be a product of what has been dubbed "the bystander effect": the very fact that a number of people are present socially inhibits each one of them from stepping forward. (p x, the last three lines).

ساکت:

ولی پژوهش روان شناسان اجتماعی پیشنهاد می دهد که چنین سستی و دست به کار نشدن، بیشتر دستامد چیزی است که «اثر تماشاگر» تعبیر شده است. حقیقت آشکار این است که شماری از افراد که حضور دارند، از نظر اجتماعی هر کدام از آنان از گام به پیش برداشتن زندگی می کنند (ص ۳۱، پانویست ۱).

نمایی:

اما تحقیقات روان شناسی اجتماعی حکایت از این دارد که این بی تحرکی، محصول چیزی است که «بی اعتنایی رهگذران» نام گرفته است؛ حقیقتی که بیشتر مردم در صحنه، جلو یکدیگر را می گیرند تا هیچ کس قدم جلو نگذارد (ص ۱۷، یادداشت ۵). جمله آخر در برگردان نخست، مبهم و نامفهوم است؛ زیرا مترجم inhibit (جلو ... را گرفتن، بازداشتن از ...) را inhabit (زندگی کردن) انگاشته و در نتیجه، آن را «از گام به پیش برداشتن زندگی می کنند» ترجمه کرده است. علاوه بر آن، در ترجمه نخست the bystander effect «اثر تماشاگر» و در ترجمه دوم «بی اعتنایی رهگذران» معنی شده است که با توجه به سیاق عبارت، معنای دوم مناسب تر است؛ هر چند جمله آخر آن، رسا و روان نیست.

کوک:

For example, I would never have completed this book had I not in many cases confined my reading of a work to its chapter of forbidding wrong; this undoubted-

ly means that I have on occasion missed other relevant features of an author's thought (p xiii, ll 21-24).

ساکت:

برای نمونه، در بسیاری از موردها با محدود ساختن خود به خواندن یک کتاب به فصل وازدن از ناشیاست آن، نگاهشته ام را کامل نکرده ام. بی گمان به معنای آن است که هیچ فرصتی را از دست یافتن به سیمایهای مربوط دیگر اندیشه نگارنده آن کتاب از دست نداده ام (ص ۳۵).

نمایی:

برای مثال، هنگام مطالعه یک کتاب اگر خود را به خواندن فصل مربوط به نهی از منکر محدود نمی کردم، هرگز این نوشته به پایان نمی رسید. بدون شک این بدان معناست که در مواردی از شناخت دیگر آرای نویسنده کتاب خودداری کرده ام (ص ۲۱).

جمله I would never have completed... had I not... con- fined.. از شمار جمله های شرطی زمان گذشته است و در اصل چنین بوده I would never have completed... if I had not... con- fined... و مفهوم جمله های شرطی زمان گذشته همیشه بر عکس شکل ظاهری آنهاست: اگر خود را ... محدود نمی کردم، هرگز این نوشته به پایان نمی رسید؛ یعنی خود را ... محدود کرده ام و این نوشته به پایان رسیده است. در ترجمه نخست، به شرطی بودن جمله فوق توجه نشده است. در بخش دوم عبارت نیز، مترجم on occasion (گاهی، در مواردی) را no occasion پنداشته و نوشته است: «هیچ فرصتی را ... از دست نداده ام». همچنان که سیاق عبارت نشان می دهد، مقصود مایکل کوک بسیار روشن است. گفته وی با روش تحقیق نیز تطابق دارد و آن، این که محقق به هنگام مطالعه کتاب ها، فقط به دنبال یافتن مطلب مورد نظر است. بنابراین فقط آنچه را که در پی یافتن آن است از کتاب ها می گیرد و وقت خود را صرف خواندن دیگر بخش های آن نمی کند. اگر این شیوه را به کار نگیرد، فرصت را از دست می دهد و چه بسا، مطالعه همه بخش های یک مأخذ، او را از راه باز دارد. با توجه به آنچه گذشت، ترجمه نخست مغشوش و نامفهوم است. در ترجمه دوم نیز پیشنهاد می شود جمله پایانی به این صورت ویرایش شود: ... که در مواردی امکان شناخت دیگر جنبه های نویسنده درباره این موضوع را از دست داده ام.

کوک:

In very practical terms, I owe an enormous debt to my wife, Kim, without her help in numerous connections, the book would have taken twice as long as to write, or alternatively ended up half the size (an outcome she would have been the last to regret) (P xvi f).

ساکت:

در بیانی بسیار کاربردی، به همسرم، کیم، بسیار مدیونم. بی یاری او در پیوندهای گوناگون، نگارش این کتاب دوبار بیشتر به درازا می کشید، با نیمه به پایان می آمد (دستاوردی که او تأسف می خورد) (ص ۴۰).

نمایی:

در حقیقت خود را بسیار مدیون همسرم «کیم» می دانم که اگر کمک او نبود، تدوین این کتاب دو برابر این، وقت می گرفت یا حجم آن نیمی از آنچه اکنون هست، می بود (البته کوچک تر شدن حجم کتاب، مایه تأسف او نبود) (ص ۲۷).

در ترجمه نخست، عبارت های «در بیانی بسیار کاربردی» و «در پیوندهای گوناگون» نامفهوم اند و مترجم، بدون توجه به معنا «the last» (= آخرین، آخرین نفر)، جمله داخل پرانتز را «دستاوردی که او تأسف می خورد» ترجمه کرده است، حال آن که منظور نویسنده از این جمله به کنایه این است که کم شدن حجم کتاب مایه تأسف او نمی شد. در ترجمه دوم پیشنهاد می شود، عبارت «در زمینه های گوناگون» پس از «کمک او» به جمله افزوده شود.

کوک:

The verse speaks, in a string of present participles in the nominative case, of "those who repent, those who serve, those who pray, ... those who command right and forbid wrong (al-amiruna bi'l-ma 'rufi wa'l-nahuna 'an al-munkari), those who keep God's bounds" (p 14, note 6).

ساکت:

آیه از یک رشته از شرکت کنندگان حاضر در حالت فاعلی، از کسانی سخن می گوید که «توبه کنندگان، پرستش گران، سپاسگزاران ... فرمان دهندگان به شایست و بازدارندگان از ناشایست» «الأمرون بالمعروف والنهون عن المنکر» و نگهبانان مرزهای خداوند» (ص ۶۱، پاورقی ۱).

نمایی:

این آیه به صورت مجموعه ای از اسم های فاعل در حالت رفعی از کسانی سخن می گوید که تائب، عابد، نمازگزار ... و

کوک:

In the course of writing the book, I have received much good advice from many sides. I know that I have not always followed it. Particularly towards the end of the process, I have become almost as disinclined to make drastic revisions to what I have written as Pontius Pilate (P xvi, ll 31-34).

ساکت:

در جریان نگارش این کتاب از گوشه و کنار، رایزنی های خوبی به من رسید. می دانم که همیشه از آنها پیروی نکردم، به ویژه در پایان فرایند کار، چونان پونتیوس پیلاتوس بازنگری جدی در آنچه نگاشته ام، انجام داده ام (ص ۴۰).

نمایی:

در طول نوشتن کتاب، راهنمایی های ارزشمندی از بخش های متعددی دریافت کرده ام که نتوانسته ام همه آنها را به کار بندم، به ویژه در پایان مانند پنتیوس پیلات مایل نبودم تجدید نظر دقیقی بر آنچه نوشته ام، داشته باشم (ص ۲۷).

کوک در این عبارت به سخن پنتیوس پیلات یا پیلاتس - «پس رؤسای کهنه یهود به پیلاتس گفتند منویس پادشاه یهود، پیلاتس جواب داد آنچه نوشتم نوشتم» (انجیل یوحنا ۱۹ / ۲۱-۲۲) - اشارت دارد.

مترجم نخست، بدون توجه به معنی "disinclined" (= تمایلی نداشتن، مایل نبودم) جمله را برعکس مفهوم اصلی آن، مثبت ترجمه کرده و نوشته است: «بازنگری های جدی در آنچه نگاشته ام، انجام داده ام». این برداشت با متن کتاب و گفته پیلاتس در انجیل یوحنا نیز مغایرت دارد.

مترجم دوم نیز "from many sides" را «از بخشهای متعددی» ترجمه کرده است که معنی «از گوشه و کنار» در ترجمه نخست، رساتر و زیباتر است. هر یک از دو مترجم در مورد «پنتیوس پیلات» یا «پیلاتس» در زیر نویس با اندک تفاوت توضیح داده اند: «حاکم قدس، از جانب رومیان در زمان مسیح بود. او عیسی مسیح را با وجود عدم تقصیر، به یهود تسلیم کرد تا به دارش آویزند ...».



امر به معروف و ناهی از منکرند: «الأمرون بالمعروف والنَّهون عن المنکر» و نگهبانان حدود خدا هستند (ص ۵۰، یادداشت ۶).
ظاهر آ مترجم نخست، ترکیب: present participle را که به معنی «اسم فاعل» است، دو کلمه جدا از هم participant (شرکت کننده) و present (حاضر) پنداشته و آن را «شرکت کنندگان حاضر» ترجمه کرده است.

کوک:

There are also no-eschatological traditions which can be seen as expressions of the same tendency to draw the teeth of the duty, though the picture they present is far less coherent and consistent (P 42, ll 13-15).

ساکت:

حدیث های غیر آخرتی هم هست که می توان آنها را همچون بیان های همان گرایش دید که دندان های این وظیفه را ترسیم می کند؛ هر چند تصویری که ارائه می دهند، کمتر جامع و پایدار است (ص ۱۱۰).

نمایی:

احادیث دیگری وجود دارد که مربوط به آخر الزمان نیست، ولی در آن نگرشی دیده می شود که پروبال این وظیفه را می شکند؛ هر چند تصویری را که ارائه می دهد، بسیار نامربوط و نامنجم است (ص ۹۳).

ترجمه نخست، نامفهوم است و مترجم، ترکیب to draw the teeth را که به معنی: «دندان کشیدن، بی اثر کردن، بی خاصیت کردن» است، در معنی «دندان های این وظیفه را ترسیم کردن» به کار برده و مترجم دوم آن را «پروبال این وظیفه را شکستن» معنی کرده است.

کوک:

Finally, there are traditions that-perhaps quite innocently-dwell on the ifs and buts of the duty. One ought to start by putting oneself to rights before venturing to command and forbid others (P 43, ll 6-8).

ساکت:

سرانجام، حدیث هایی هست که - شاید کاملاً تهی از هر چیز- در اگر مگرها و امای این وظیفه نبرد تن به تن می کنند. کسی باید پیش از پذیرش خطر فرمان به شایست یا وازدن از ناشایست دیگران، خودش را شایسته اصلاح گرداند (ص ۱۱۲).

نمایی:

بالاخره احادیثی وجود دارد- که شاید کاملاً از روی سادگی- بر از قید و شرط هایی در باره این وظیفه است. مؤمن پیش از امر

و نهی دیگران، باید خود را اصلاح کند (ص ۹۵).

هیچ کدام از این دو ترجمه قانع کننده و مطلوب به نظر نمی رسد. مترجم اول innocently را «تهی» و مترجم دوم، آن را «از روی سادگی» ترجمه کرده است. همچنین آقای ساکت dwell on (پرداختن به- انگشت گذاشتن روی-) را duel on پنداشته و آن را «جنگ تن به تن» معنی کرده است.

کوک:

A final point worth emphasising is that, just as in the context of Koranic exegesis, it is the consensus of the later scholarly tradition that establishes that we are talking about forbidding wrong even when this is not evident from the wording of the traditions themselves (P 45, ll 26-29).

ساکت:

نکته پایانی که در خور تأکید است، این که درست همان گونه که در بافت تفسیر قرآن می بینیم، اجماع حدیث عالمانه بعدی است که حتاً هنگامی که از سخن پردازی خود حدیث ها پیدا نیست و ما داریم درباره وازدن از ناشایست سخن می گوئیم، آن را تقویت می کند (ص ۱۱۶).

نمایی:

آخرین نکته ای که باید بر آن تأکید شود، این است که درست همانند متن تفسیری قرآن، اجماع عالمانه احادیث متأخر، این است که سخن از نهی از منکر را پایه ریزی می کند؛ هر چند طرز بیان خود احادیث چنین مطلبی را روشن نمی کند (ص ۹۹).

به نظر می رسد مترجمان در ترجمه این عبارت ها در کمند متن انگلیسی گرفتار شده و نتوانسته اند به سیاق فارسی نویسی، معنی روشن و صریحی ارائه دهند. به گمان بنده این معنی مناسب تر است: آخرین نکته در خور تأکید این است که درست همانند متن تفسیر قرآن، حتی زمانی که خود حدیث مطلبی را به صراحت در مورد نهی از منکر بیان نمی کند، اجماع عالمانه احادیث متأخر آن را تأیید می کند.

کوک:

...Abu Mikhnaf (d. 157/773 f.), a Shiite historian well known to mainstream historiography, reports a speech

جعفر صادق (ع) (۱۴۸۵) را در زمره کسانی می آورد که از قیام برای نهی از منکر سخن می گوید. و همچنین چگونگی رویارویی [امام] موسی کاظم (ع) (د ۱۸۳) با سر بریده حسین بن علی [بن حسن بن حسن بن علی] صاحب فسخ در سال ۱۶۹ را بیان می کند که فرمود: او از کسانی بود که امر به معروف و نهی از منکر می کرد (ص ۳۷۴-۳۷۶).

ترجمه آقای ساکت، در این سطرها مشوش و بی معناست؛ به طوری که خود او هم از درک مطلب، غافل مانده است. توضیح این که «حسین بن علی»، صاحب فسخ را که در سال ۱۶۹ در سرزمین فسخ (در نزدیکی مکه) به شهادت رسیده، با «امام حسین» و «فسخ» را با «کربلا» یکی دانسته و توجه نداشته که امام حسین (ع) در سال ۶۱ در کربلا، پیش از امام موسی کاظم (ع) شهید شده است و آن که در سال ۱۶۹ در فسخ شهید شده، حسین بن علی بن حسن بن حسن بن علی است. همچنین ابوالفرج اصفهانی را که در متن انگلیسی آمده، ابوجعفر اصفهانی ذکر کرده است. در ترجمه دوم، مترجم با مراجعه به تاریخ طبری و دیگر منابع، حدیث پیامبر و نام کسی را که در فسخ شهید شده، به درستی دریافته و آن را داخل قلاب گذاشته است.

کوک:

When the timely sabotage of a bridge prevented what might have been an ugly encounter between their forces, they agreed to divide and rule. (p 236, ll 9-11)

ساکت:

هنگامی که ویرانی بهنگام یک پل از برخوردی ناخوشایند میان نیروهایشان جلوگیری کرد، آن دو بر تفرقه بینداز و حکومت کن هم داستان شدند (ص ۱۸۵).

نمایی:

هنگامی که بهنگام از خراب کردن پلی جلوگیری کرد که ممکن بود سبب جنگی ناخواسته بین نیروها شود، آن ها موافقت کردند قدرت را تقسیم کنند (ص ۲۸۴).

مترجم اول، بخش نخست جمله را درست ترجمه کرده، اما مترجم دوم فاعل فعل «جلوگیری کردن» را به درستی نشناخته و ترجمه نادرستی ارائه داده است. همچنین آقای ساکت در بخش دوم جمله: they agreed to divide and rule معنی اصطلاحی آن یعنی «سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن» را در نظر داشته و آقای نمایی آن را «موافقت کردند قدرت را تقسیم کنند» معنی کرده است که معنای اخیر صحیح تر به نظر می رسد.

کوک:

Thereafter we have at our disposal a succession of

made by Husayn (d. 62/680) prior to the battle of Karbala, in which he quotes the Prophet as condemning anyone who fails to take action against an unjust ruler (lam yughayyir 'alayhi) by deed or word. Abu'l-faraj al-Isbahani (d. 356/967) a Zaydi but likewise well known to mainstream literature, has Ja'far al-Sadiq (d. 148/765) speak of rebellion for the sake of forbidding wrong. He also recounts how Musa al-Kazim (d. 183/799), confronted while the head of Husayn ibn 'Ali who was killed at Fakhkh in 169/786, pronounced him to have been one who commanded right and forbade wrong (pp 231-2).

ساکت:

... ابو مخنف (م: ۱۵۷/۷۷۳)، تاریخ نگار شیعی آگاه از روند فکری تاریخ نگاری، سخنی را از [امام] حسین [ع] (شهادت: ۶۱/۶۸۰) پیش از نبرد کربلا به نقل از پیامبر [ص] روایت می کند که ناکامی هر کسی را در اقدام بر ضد فرمان گزار ستمگر (لَنْ يُغَيِّرَ عَلَيْهِ) با کردار یا گفتار محکوم می سازد. ابوجعفر اصفهانی (م: ۳۵۶/۹۶۷) یک زیدی ولی همین گونه آشنا به ادبیات و منابع جریان موازی، سخن [امام] جعفر صادق [ع] (م: ۱۴۸/۷۶۵) را از شورش به خاطر وازدن از ناشایست دارد. او همچنین داستان چگونگی روبه رو شدن [امام] موسی کاظم [ع] با سر [امام] حسین بن علی [ع] را که در سرزمین فسخ [کربلا] به سال ۱۶۹/۷۸۶ کشته شده بود، بازگو می کند که او را یکی از فرمان دهندگان به شایست و وازندگان از ناشایست اعلام داشته است (ص ۱۷۶-۱۷۷).

نمایی:

... ابو مخنف (د ۱۵۷)، مورخ مشهور شیعی، حدیثی از [امام] حسین (ع) پیش از واقعه کربلا (سال ۶۱) نقل می کند که «پیامبر خدا فرموده است: هر کس حاکم ستمگری را ببیند که حرام خدا را حلال می شمارد و پیمان خدا را می شکند و به خلاف سنت پیامبر خدا می رود و به بندگان خدا تعدی می کند و به کردار یا گفتار عیب او نگوید، (لم یغیر علیه) بر خدا فرض است که او را به جایی که باید برد». ابوالفرج اصفهانی (د ۳۵۶)، زیدی و از نویسندگان بزرگ حوادث تاریخی است. او [امام]

مترجم نخست، واژه dose را که در متن برای تأکید آمده است، doesn't پنداشته و جمله را به صورت منفی «تنها نویسنده ای که به این مسئله نمی نگرد»، ترجمه کرده است. علاوه بر این، واژه mote (خاک، آشغال، خس و خار) را «ذره» و beam (چوب) را «پرتو» معنی کرده است. البته کلمه mote به معنی ذره و beam در معنای «پرتو» هم به کار رفته است، اما با توجه به متن انجیل متی که مترجم دوم برگردان نص آن را در داخل قلاب نقل کرده، ترجمه دوم، صحیح است.

کوک:

One questioner has four nephews and a niece who are not in the religiously observant, make their living mostly from gambling and drug-peddling, and even now live in hope of a Taghuti restoration_may they never see it even in their dreams! (p 547, ll 11-14).

Khumayni warns against severing such ties and enjoins counselling or reproving the offender (p 547, note 296).

ساکت:

یک پرسنده (استفتا کننده) چهار نوه و یک خواهرزاده دارد که کمترین مراعات دینی ندارند، درآمد و کسب روزی ایشان بیشتر از راه قماربازی و خرده فروشی مواد مخدر است، و حتی اکنون به امید بازگشت رژیم طاغوتی است - که حتا در رؤیاهای خود هم آن را نخواهند دید (ص ۳۲۹)!

[امام] خمینی بر ضد خدمت به چنین پیوندها هشدار می دهد و مشورت کردن یا به نومی سخن گفتن با خلاف کار را منع می کند (ص ۳۳۰ دنباله یادداشت ۶ از صفحه قبل).

نمایی:

سؤال کننده ای چهار پسرعمو و یک دختر عمو دارد که اصلاً اهل عبادت نیستند و اکثر درآمد آن ها از قمار و خرید و فروش مواد مخدر است و اکنون هم در انتظار بازگشت حکومت طاغوتی هستند که ان شاء الله در خواب هم نخواهند دید! (ص ۸۵۶).

[امام] خمینی نسبت به قطع رحم هشدار می دهد و دستور می دهد او را ارشاد یا امر به معروف کنند (ص ۸۵۶، یادداشت ۲۹۶).

مترجم اول در نقل فتوای امام خمینی (ره) (استفتاآت، ج ۱، ص ۴۸۶، سؤال ۱۳) علاوه بر آن که nephew (پسرعمو) را نوه و sever (قطع کردن) را خدمت کردن ترجمه کرده، برای فاعل جمع، فعل مفرد (چهار نوه و یک خواهرزاده ... به امید بازگشت رژیم طاغوتی است) آورده است. وی همچنین

Imami discussions of the duty which is more or less unbroken from the fifth/eleventh century till the present day (p 252).

ساکت:

از این پس، رشته ای از بحث های این تکلیف را در دسترس خویش داریم که کمابیش از سده پنجم / یازدهم تا امروز نشکسته و استوار بر جای مانده است (ص ۲۱۳).

نمایی:

یک سلسله بحث های امامی از آن دوران در اختیار داریم که از سده پنجم تا به امروز تقریباً توالی خود را حفظ کرده است (ص ۴۰۷).

به نظر می رسد مترجم دوم اصطلاح in the date را in the duty خوانده و در نتیجه آن را «در آن دوره» ترجمه کرده است. بنابراین برگردان نخست مرجع می نماید. همچنین در ترجمه دوم، بهتر است به جای جمله «تا به امروز همچنان توالی خود را حفظ کرده است»، بنویسیم: «تا به امروز همچنان ادامه یافته است».

کوک:

An author who does consider the issue is Ishaq ibn Wahb (Burhan, 276,9), in a discussion in which he quotes and correctly ascribes Jesus's mote and beam saying (cf. I. Goldziher "Matth, VII. 5 in der muhammedanischen Literatur", Zeitschrift der Deutschen Morgenlandischen Gesellschaft, 31 (1877), 765-7) (p 282, note 216).

ساکت:

نویسنده ای که به این مسئله نمی نگرد، اسحاق بن وهب است (برهان، ص ۲۷۶، س ۹) در بحثی که در آن او بازنویس می کند و به درستی ضرب المثل ذره و پرتو عیسی را رونویس نمی کند (مقایسه کنید با گلدزیهر، متای ۵ در ادبیات اسلامی)، روزنامه آلمانی جامعه مغرب ۳۱ (۱۸۷۷)، ص ۷۶۵ (ص ۲۶۴، پانویس ۱).

نمایی:

نویسنده ای که به این موضوع توجه دارد، اسحاق بن وهب است (برهان، ۲۷۶/۹)، در بحثی او گفتار عیسی (علیه السلام) را نقل و به خس و چوب به درستی استناد می کند (قس: ۱. گلدتسهر، مفهوم آیه ۵ باب ۷ انجیل متی در کتاب های اسلامی. ۳۱ (۱۷۸۸)، ۷۶۵-۷۶۷ [مفهوم آیه چنین است: ای ریاکار، اول چوب را از چشم خود بیرون کن، آن گاه نیک خواهی دید تا خس را از چشم برادرت بیرون کنی-م] (ص ۴۵۵، یادداشت ۲۱۶).

نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۳۹۴-۴۹۵. این مطلب، حتی داخل قلاب [] قرار نگرفته است، در نتیجه خواننده تصور می کند مایکل کوک، آن را ارجاع داده است؛ در صورتی که چنین توضیحی در متن انگلیسی کتاب نیامده است.

به طور کلی، پارسی گردان آقای ساکت، محتاج بازخوانی و ویرایش تطبیقی و ادبی است. ویراستار تطبیقی باید با بررسی نحوه استنباط و ترجمه متن انگلیسی به فارسی، خطاهای مترجم را در یابد و اصلاح کند و در عین حال به ویرایش جملات، کاربرد واژه ها، نحوه سجاوندی و پیوند عبارت ها و رسم الخط، عنایت لازم را داشته باشد. البته چنین کاری، ویراستاری رامی طلبد که به لحاظ علمی همسنگ و حتی برتر از مترجم باشد.

اما آقای نمایی، با تأنی و به طور پیگیر، طی یک سال در صدد یافتن خطاهای ترجمه خود بوده و در چاپ دوم کتاب، بیشتر کاستی ها و غلط های چاپ اول را اصلاح و منقح کرده است. با وجود این، لااقل به لحاظ ویرایش ادبی، هنوز هم یکدست و هموار نیست و نیازمند پرداخت مجدد است. این نکته هم قابل یادآوری است که او در حل غوامض و دشواری های ترجمه خود، از پشتوانه علمی و تجربی بنیاد پژوهش های اسلامی، اعم از یاری و همفکری متخصصان و ویراستاران و کتاب آریایان و آگاهان به فن چاپ و نشر (ر. ک: امر به معروف و نهی از منکر، ج ۱، ص ۱۲ و ج ۲، ص ۹۵۴) برخوردار بوده است. ظاهر آقای ساکت، در رنج آبادی، چنین امکانات و فراغتی نداشته و مشغله های دیوانی و دادستانی های ثمربخش و گاه نافرجام (ر. ک: شایست و ناشایست، ص ۴۵۴-۴۶۴) نیز مخل کار بوده است. در عین حال توانسته است به تنهایی تا همین حد، از عهده کار برآید.

امیدواریم همچنان که پل والری (Paul Valery) «تأثیر برابر» را اساس کار مترجم می داند؛^{۱۶} خوانندگان این دو ترجمه نیز، همان درک و احساس خوانندگان انگلیسی زبان را از متن مایکل کوک بیابند. ناگفته نماند که پرداختن به چنین کار سترگ و پرحتمی، در این عصر و روزگار، همتی والا، عشق بی کران و تلاشی پی گیر می طلبد که مترجمان گرامی، استاد ساکت و نمایی، بحمدالله برخوردار بوده اند. زحمات و کوشش های مؤلف دانشمند و مترجمان فرهیخته را ارج می نهیم و تندرستی و توفیق روزافزون آنان را از درگاه خداوند بزرگ خواهانیم.



۱۶. ر. ک: محمدرضا باطنی، پیرامون زبان و زبان شناسی (مجموعه مقالات)، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۱، ص ۶۳.

توضیحات مؤلف و فتوای امام (ره) را وارونه ترجمه کرده است؛ در حالی که مطابق با متن استفتانات امام، پاسخ ایشان چنین بوده است: «قطع رحم نکنید و تا می توانید آن ها را ارشاد نمایید».

همچنان که پیش از این اشارات رفت، کتابنامه، فهرس و ارجاعات کتاب شایست و ناشایست اشکال و خطای بسیاری دارد. با آنکه کتاب نامه (۴۶۵-۴۹۲) به دو بخش «فارسی/عربی» (۴۶۷-۴۸۷) و «زبان های دیگر» (۴۸۷-۴۹۲) تقسیم شده، اما این تقسیم بندی و نیز ضبط نام ها آشفته و نادرست است. حدود ۹۵ درصد از کتاب های بخش «زبان های دیگر» تکرار منابع بخش «فارسی/عربی» است؛ مانند «آ. جفری» (۴۶۷)؛ «اس، ارجمند» (۴۶۷) و «اخوی، س» (۴۷۰) که با مشخصات کتاب شناسی فارسی در بخش منابع «زبان های دیگر»، در صفحات ۴۸۷، ۴۷۰ و ۴۸۷ نیز آمده است. در ضبط نام های انگلیسی، فارسی و عربی و ترتیب آن ها در فهرست ها، یکدستی و شیوه یکسان دیده نمی شود. به عنوان مثال، نام «یوزف فان اس» در بخش «فارسی/عربی» (ص ۴۷۰) اس. جی فان و در بخش «زبان های دیگر» Ess.J. Van (ص ۴۸۹) و J. Van Ess (ص ۴۹۰) درج شده و یا در صفحه ۴۸۲ نام مرتضی مطهری بر اساس نام کوچک و در صفحه ۴۸۳ بر اساس نام خانوادگی (مطهری، مرتضی) آمده است. در ضبط اسامی نیز: یحیی بن سلام (ص ۴۸۶)؛ یحیی بن سعید (۴۸۷)، تنوع دیده می شود. در انتساب کتاب ها به مؤلفان هم، دقت نشده؛ مثلاً کتاب های احکام السلطانیه (۴۶۸) العواصم من القواصم [کذا] (۴۶۸)، شرح اصول الخمسه (۴۷۸) که به ترتیب می بایست در ذیل نام های ماوردی، ابن عربی و عبدالجبار احمد می آمد، در ذیل ابن تیمیه (۴۶۸)، ابن المرتضی (۴۶۷) و عبدالعین عبدالحکیم [عبدالله بن عبدالحکیم] (۴۷۸) آمده است.

در ضبط صحیح نام اشخاص، کتاب ها، ترتیب نوشتن اسم ها و انتساب آن ها، تجدید نظر کلی لازم است و به سبب انبوهی، یادآوری همه موارد میسر نیست.

همچنین آقای ساکت گهگاه مطلبی را به قلم خود در زیر نویس صفحات توضیح می دهد، بدون آن که مشخص کند آن توضیح از نویسنده نیست؛ مثلاً در صفحه ۳۴ در پاورقی ۳ برگردان خود، درباره «حسبه» توضیحی این چنین آورده است: «برای آگاهی گسترده و پرشاخ و برگ با سازمان حسبه و کار و کارکرد آن در حقوق اسلام و جامعه مسلمانان بنگرید به محمدحسین ساکت، دادرسی در حقوق اسلامی، سرشت و سرگذشت نهاد دادرسی و سازمان های وابسته از آغاز تا سده سیزدهم هجری، تهران،

